

بیمه پردازی صوری در پروژه‌ها

کارگران متخصص نفت و گاز با دستمزد بالا در لیست بیمه به‌عنوان کارگر ساده با حداقل حقوق معرفی می‌شوند

نظارتی و ایجاد سامانه‌های جامع اطلاعاتی در حال انجام است؛ اما تا زمانی که همه ذی‌نفعان به مسئولیت اجتماعی و حقوقی خود پایبند نباشند، اصلاحات ساختاری به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. کارگران پیمانکاری، همچنان نیازمند پشتیبانی بی‌واسطه، نظارت پیگیر و سازوکاری روشن برای احقاق حقوق‌شان هستند و سازمان‌های مسئول، با وجود تمام محدودیت‌ها، در حال برداشتن گام‌هایی در این مسیر پرچالش‌اند.

تقویت نظارت در میدان

پایان دادن به این وضعیت ناعادلانه، نیازمند تقویت نظارت هدفمند، هوشمند و فراگیر از سوی نهادهای مسئول است. طی سال‌های اخیر، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی گام‌هایی برای ارتقای فرایندهای بازرسی و سامان‌دهی به بیمه کارگران پیمانکاری برداشته‌اند؛ با این حال، پیچیدگی ساختار پیمانکاری و تنوع قراردادها، کار نظارت را دشوار کرده است. پیشنهادهایی مانند اعزام مستمر بازرسان به محل پروژه‌ها و بررسی میدانی اسناد مالی، می‌تواند مکملی برای اقدامات موجود باشد و راه را برای کشف تخلفات هموارتر کند. گیلانی‌نژاد نیز تأکید می‌کند که حضور جدی و غیرشعاری بازرسان در پروژه‌هایی با دستمزد بالا، اما بیمه‌های حداقلی، می‌تواند نقش کلیدی در شناسایی موارد تخلف ایفا کند. سازمان تأمین اجتماعی نیز در بخشنامه‌های اخیر خود، بر لزوم تطابق لیست بیمه با دستمزد واقعی تأکید کرده و کارفرمایان اصلی را به‌عنوان مسئول اصلی در برابر حقوق بیمه‌ای کارگران معرفی کرده است. از سوی دیگر، قوانین موجود نیازمند بازنگری و تقویت ضمانت اجرایی هستند. هرچند اطلاعیه‌ها و بخشنامه‌ها جهت‌گیری مثبتی دارند، اما بدون ضمانت عملیاتی، کارکرد لازم را نخواهند داشت. ایجاد امکان شکایت مستقیم و بی‌واسطه کارگران از پیمانکاران متخلف، و اعمال مجازات مؤثر برای تخلفات بیمه‌ای، از جمله گام‌هایی است که در دستور کار قرار گرفته و باید با جدیت پیگیری شود. قصه احمدزاده و هزاران کارگر دیگر، صرفاً روایت یک مطالبه صنفی نیست؛ بلکه آینه‌ای از چالش‌های تاریخی ساختار پیمانکاری در کشور است. در شرایطی که نظام بیمه‌ای با فشارهای ناشی از بحران اشتغال و بازنشستگی روبه‌روست، تحقق بیمه واقعی برای کارگران پیمانکاری، نه‌تنها دفاع از حقوق آن‌ها، بلکه اقدامی اساسی در حفظ پایداری منابع بیمه‌ای است. اکنون بیش از هر زمان، ضرورت دارد نظارت مؤثر، مسئولانه و شفاف، جایگزین ساختارهای ناکارآمد گذشته شود.



تبدیل شده است.

این زنجیره بی‌مسئولیتی زمانی بحرانی‌تر می‌شود که گره آن به پیچیدگی‌های نظارتی و سازوکارهای اجرایی موجود در نظام پیمانکاری می‌رسد. هرچند انتظار می‌رود نهادهایی مانند وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی با جدیت بیشتری وارد عمل شوند، اما پیچیدگی روابط سه‌جانبه میان کارگر، پیمانکار و کارفرمای اصلی، نظارت مؤثر را با دشواری‌هایی مواجه کرده است. با این حال، این دو نهاد تلاش کرده‌اند با صدور بخشنامه‌ها و تعیین تکالیف شفاف برای کارفرمایان اصلی، مسیر پاسخگویی را روشن‌تر کنند.

برای نمونه، در اطلاعیه اخیر سازمان تأمین اجتماعی، صراحتاً تأکید شده که مسئولیت تطبیق لیست بیمه و دستمزد کارگران پیمانکاری بر عهده کارفرمای اصلی ست؛ تصمیمی که با هدف افزایش شفافیت و کاهش تخلفات احتمالی اتخاذ شده است. در واقع، تأمین اجتماعی با واگذاری این مسئولیت به بالاترین سطح تصمیم‌گیری پروژه‌ها، در پی آن است که حلقه‌های فرار از پاسخگویی را ببندد و تضامین قانونی بیشتری برای حقوق کارگران ایجاد کند. با این حال، اگر کارفرمای اصلی در مواردی با پیمانکاران روابطی غیرشفاف داشته باشد، اثر بخشی این تدابیر در گرو بازرسی‌های دقیق‌تر و گزارش‌گری صادقانه خواهد بود. اینجاست که تقویت ظرفیت نظارتی و افزایش هماهنگی میان نهادهای بازرسی و قضایی ضروری‌تر از همیشه به نظر می‌رسد.

در حال حاضر، تلاش‌هایی برای بازنگری در فرایندهای

نظام رفاهی کشور وارد می‌کند. پیمانکاران با اعلام دستمزد کمتر از میزان واقعی، در ظاهر هزینه‌های خود را کاهش می‌دهند، اما در واقع، منابع مالی سازمان تأمین اجتماعی را تضعیف می‌کنند؛ منابعی که برای درمان بیمه‌شدگان و پرداخت مستمری بازنشستگان حیاتی‌اند. وقتی این تخلفات به‌صورت گسترده انجام می‌شود، ورودی‌های سازمان به شکل سیستماتیک کاهش می‌یابد. در نتیجه، هم کارگران در آینده مستمری ناچیز می‌گیرند و هم صندوق بیمه‌ای دچار بحران نقدینگی می‌شود. از درمانگاه‌های شلوغ تا پرداخت‌های معوق بازنشستگان، همه متأثر از این بی‌نظمی هستند. مازیار گیلانی‌نژاد می‌پرسد: «چرا در برابر تخلفاتی که مستقیماً منابع مالی سازمان تأمین اجتماعی را تهدید می‌کند، اقدام مقتضی صورت نمی‌گیرد؟» به گفته او، مقابله با بیمه‌پردازی صوری، وظیفه بازرسان سازمان است. در نهایت، سکوت در برابر این تخلفات، به زیان کل شرکای اجتماعی بزرگ‌ترین سازمان بیمه‌گر کشور تمام می‌شود.

لزوم تغییر در یک زنجیره غلط

پیمانکاران معمولاً خود را تنها اجراکننده قرارداد می‌دانند و تخلف در بیمه‌پردازی را به محدودیت‌های مالی یا توافق با کارفرمای اصلی نسبت می‌دهند. کارفرمایان مادر نیز از مسئولیت طفره می‌روند و نظارت را به بخش‌های پایین‌دستی حواله می‌دهند. در نهایت، هیچ‌یک از این نهادها نه پاسخگو هستند و نه مشمول برخورد قانونی می‌شوند. به همین دلیل، تخلف بیمه‌ای در پیمانکاری به یک رویه عادی و بی‌هزینه

در دل پالایشگاه‌ها، پشت دیوارهای ضخیم صنایع سنگین و زیر آفتاب سوزان مناطق نفت‌خیز، کارگرانی بی‌نام و نشان، ستون‌های خاموش تولید کشور را نگه داشته‌اند؛ مردانی که بیشترشان با قراردادهای پیمانکاری مشغولند و سهمی حداقل از خدمات گسترده تأمین اجتماعی ندارند. روایت آن‌ها از کار و زندگی، مثل داستان «احمدزاده» - جوشکاری با ۳۳ سال سابقه کار و تنها ۲۱ سال بیمه - تصویر روشنی از رنج پنهان این نیروی کار است. او می‌گوید: «پیمانکاران همیشه مرا در لیست بیمه، کارگر ساده رد کردند.» این گلایه فقط حرف یک نفر نیست؛ فریاد خفه‌شده هزاران کارگری است که اگر هم بیمه شوند، نه با مزد واقعی که با حداقل دستمزد و بدون احتساب سختی کار است. نتیجه روشن است: بازنشستگی دیر هنگام با مستمری ناچیز. کارگران پیمانکاری سال‌هاست خواستار بیمه‌ای متناسب با مزد واقعی خود هستند، اما تلاش‌هایشان -از کمپین و نامه‌نگاری تا مراجعه به نهادهای رسمی- تنها به یک اطلاعیه بدون ضمانت اجرایی ختم شده است. طبق این اطلاعیه، کارفرمای اصلی موظف به بررسی لیست بیمه کارگران پیمانکاری است، اما فعالان کارگری می‌گویند این نظارت صوری است و به دلیل منافع مشترک پیمانکاران و کارفرمایان، عملاً به خوداظهاری و لاپوشانی بدل شده است.

بازنشستگی با فقر

مازیار گیلانی‌نژاد، فعال کارگری در گفتگویی در این رابطه می‌گوید: «از سال ۱۴۰۰ بارها و بارها اعلام کرده‌ایم که بیمه‌پردازی در پروژه‌های نفت و گاز غیرواقعی است. این موضوع هم به‌ضرر کارگر است و هم به‌ضرر سازمان تأمین اجتماعی. اما چرا رسیدگی نمی‌شود؟» او می‌افزاید: «در بسیاری از پروژه‌ها، کارگران جوشکار، لوله‌کش صنعتی، ابزار دقیق‌کار و اپراتورهایی با مهارت بالا هستند، اما بیمه آن‌ها مانند کارگران ساده رد می‌شود. مگر بازرسان تأمین اجتماعی نباید بپرسند چطور در پروژه‌ای که کار فنی با دستمزد بالا در حال انجام است، حق بیمه بر مبنای حداقل حقوق پرداخت می‌شود؟» نبود بازرسی مستمر و مؤثر، در کنار تبانی برخی پیمانکاران با کارفرمایان مادر، موجب شده این تخلفات به یک روند معمول تبدیل شود؛ روندی که نه‌فقط حقوق امروز کارگران را ضایع می‌کند، بلکه آینده بازنشستگی آن‌ها را نیز با خطر مواجه می‌سازد. در حقیقت، یک نوع «بازنشستگی با فقر» برای کارگران پیمانکاری در حال نهاده‌ی شدن است.

تبعات پنهان تخلفات بیمه‌ای

تخلفات بیمه‌ای در قرارداد‌های پیمانکاری، تنها حق‌کشی از کارگران نیست بلکه آسیب‌ی جدی به

بحران بیمه کارگران پیمانکاری

در روزهایی که تضییع حقوق بیمه‌ای کارگران پیمانکاری به یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام کار و سازمان تأمین اجتماعی تبدیل شده است، انتشار دستورالعمل جدید معاونت بیمه‌ای سازمان تحت عنوان «نظارت بر صورت مزد و حقوق کارکنان شاغل در عملیات پیمانکاری» هم آملیدی به تغییر و هم ابهاماتی جدی به همراه دارد. از یک‌سو، این اقدام می‌تواند نشانه‌ای از درک بحران و عزم برای رسیدگی باشد، اما از سوی دیگر، ضعف‌ها و ابهامات موجود در متن دستورالعمل، سوال‌هایی جدی درباره امکان اجرای مؤثر آن ایجاد می‌کند. این دستورالعمل که در پی فشارهای مکرر رسانه‌ای و صنفی صادر شده، به صراحت بر لزوم بررسی اسناد مالی، تطبیق دستمزدهای اعلام‌شده با مزد واقعی و دریافت مستندات دقیق مانند فیش‌های حقوقی و مستندات مالیاتی تأکید می‌کند. به‌نظر می‌رسد سازمان تأمین اجتماعی با ارجاع به ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی و بخشنامه‌های پیشین، قصد دارد این سیاست را در بستر حقوقی مستحکم‌تری اجرا کند. در حالت ایده‌آل، این تلاش می‌تواند گامی مؤثر در جهت شفاف‌سازی و کاهش فرار بیمه‌ای پیمانکاران باشد که نه‌تنها به زیان کارگران است بلکه منابع سازمان را نیز تهدید می‌کند. اما وقتی به جزئیات دستور نگاه می‌کنیم، چندین ضعف مهم آشکار می‌شود که اثر بخشی آن را به شدت زیر سؤال می‌برد. مهم‌ترین ایراد، فقدان ضمانت اجرایی قاطع است؛ جایی که دستور صرفاً توصیه می‌کند «اقدام مقتضی» صورت گیرد، اما هیچ تعریف روشن و مشخصی از این اقدام ارائه نمی‌دهد. مشخص نیست آیا این شامل جریمه، اصلاح سوابق بیمه‌ای، منع ادامه همکاری با پیمانکار یا فقط تذکر اداری خواهد بود. این ابهام، راه را برای تفسیرهای سلیقه‌ای و احتمال مداخلات باز می‌گذارد.

مسئله دیگری که نگرانی به دنبال دارد، واگذاری مسئولیت نظارت بر حقوق واقعی به کارفرمای اصلی پروژه است. در عمل، این نهاد یا مجموعه واگذارنده کار، در بسیاری از موارد رابطه‌ای ساختاری و منافع مشترک با پیمانکار دارد. بنابراین نمی‌توان انتظار نظارت مستقل و مؤثر داشت، چرا که منافع مشترک ممکن است مانع از پیگیری جدی تخلفات شود. تجربه‌های گذشته نیز نشان داده‌اند همین ضعف در استقلال نظارت یکی از دلایل ادامه تخلفات بیمه‌ای در پروژه‌ها بوده است.

علاوه بر این، محدود کردن بازرسی‌ها به حداقل دو بار در سال برای پروژه‌هایی که ماه‌ها و حتی سال‌ها به طول می‌انجامند و ده‌ها کارگر دارند، ناکافی به نظر می‌رسد. این فاصله طولانی بین بازرسی‌ها فرصت کافی برای وقوع تخلفات و حتی تنظیم اسناد جعلی فراهم می‌کند. نبود نظارت مستمر، منظم و غیرقابل پیش‌بینی باعث کاهش کارایی بازرسی‌ها و تضعیف نقش بازدارندگی آنها شده است.

نکته مهم دیگر این است که در این دستورالعمل هیچ سازوکاری برای مشارکت مستقیم کارگران یا نمایندگان آن‌ها در فرایند نظارتی دیده نمی‌شود. در حالی که کارگران خود بیش از هر کس دیگر از وضعیت حقوق و بیمه‌شان آگاهند و مشارکت آنها در گزارش تخلفات می‌تواند کلید اصلی تحقق نظارت واقعی باشد. نبود چنین مکانیزم‌هایی، کار نظارت را نیمه‌کاره و غیرشفاف می‌کند.

طرح ساماندهی کارکنان دولت

گره‌گشایی برای معیشت و امنیت شغلی هزاران کارگر پیمانکاری که سال‌ها تحت قرارداد شرکت‌های واسطه با حقوق و مزایای ناچیز کار کرده‌اند

ابهام در سرنوشت طرح ساماندهی

با وجود وعده‌های مکرر، طرح ساماندهی کارکنان دولت هنوز به سرانجام نرسیده و سرنوشت آن در ابهام است. گرچه دولت در خردادماه پیش‌نویس آیین‌نامه‌ای را ارائه کرده، مجلس هشدار داده در صورت تداوم تعلل دولت، طرح دوفوریتی خود را در دستور کار قرار خواهد داد. فعالان کارگری نسبت به اجرای کامل و فراگیر این طرح ابراز تردید کرده‌اند و بیم آن دارند که گروهی از کارگران، به‌ویژه کسانی که نامشان در سامانه‌های رسمی ثبت نشده، از شمول آن خارج بمانند. حشمت‌الله سلیمانی، عضو هیأت‌مدیره انجمن صنفی پالایشگاه‌های پارس جنوبی، معتقد است اگر این طرح به حذف واسطه‌ها و بازگشت سود نیروی انسانی به خود کارگران بینجامد، گامی به سوی عدالت خواهد بود؛ مشروط بر آن که فراگیر، شفاف و قابل نظارت باشد. به گفته او، بخش عمده‌ای از نیروی کار حیاتی کشور، به‌ویژه در صنایع انرژی، بر دوش کارگران پیمانکاری است و این گروه سزاوار امنیت شغلی و بهره‌مندی از حقوق برابرند.

گامی به سوی امنیت

اگر طرح ساماندهی کارکنان دولت به‌درستی اجرا شود، می‌تواند نقطه پایانی بر بلاتکلیفی و تبعیض کارگران پیمانکاری باشد. مهم‌ترین تغییر، عقد قرارداد مستقیم با نهاد دولتی است؛ تغییری که شأن شغلی و امنیت روانی کارگران را ارتقا می‌دهد. رابطه کارگر با پیمانکار رابطه‌ای ناپایدار و سودمحور است و کارگر، حتی پس از سال‌ها کار در پالایشگاه یا دانشگاه، ممکن است با تغییر پیمانکار، ناگهان بیکار شود. بر اساس مفاد طرح، نهاد دولتی باید با نیروهای فنی، با عنوان «قرارداد کار معین» یا «قرارداد

سال‌هاست که هزاران نیروی انسانی شاغل در بخش‌های مختلف دستگاه‌های دولتی، به‌ویژه کارگران خدماتی، پشتیبانی و فنی، با عنوان «نیروهای پیمانکاری» مشغول به کارند؛ نیروهایی که با وجود اشتغال در نهادهای عمومی، اما فاقد حقوق، امنیت و مزایای مشابه کارکنان رسمی با قراردادی‌اند. این کارگران تحت قرارداد شرکت‌های واسطه هستند؛ شرکت‌هایی که در اغلب موارد نه برای کیفیت خدمات، بلکه برای ارزان‌سازی نیروی کار برنده مناقصه می‌شوند. در چنین وضعیتی، «طرح ساماندهی کارکنان دولت» که سال‌هاست در مجلس مطرح شده، کورسوی امیدی برای پایان این چرخه فرساینده است. اما پرسش اصلی این‌جاست: در صورت اجرای این طرح، دقیقاً چه تغییری در وضعیت کارگران پیمانکاری رخ می‌دهد؟

طرحی برای پایان واسطه‌گری

طرح ساماندهی کارکنان دولت، با هدف «یکسان‌سازی وضعیت استخدامی کارکنان دولت» به‌ویژه کارکنانی که سال‌ها تحت عنوان شرکتی یا پیمانکاری مشغول به کار بوده‌اند، تدوین شده است. هدف اصلی آن حذف شرکت‌های واسطه و برقراری قرارداد مستقیم میان دستگاه‌های اجرایی و نیروهای شاغل است. بدین معنا که اگر این طرح اجرایی شود، کارگری که امروز در شهرداری یا بیمارستان دولتی کار می‌کند اما حقوق خود را از شرکت پیمانکار دریافت می‌کند، مستقیماً تحت قرارداد همان نهاد دولتی قرار خواهد گرفت. در واقع، فلسفه طرح بر پایه دواصل شکل گرفته است: اول، حذف رانت و فساد ناشی از پیمان‌سپاری نیروی انسانی؛ دوم، تأمین حداقل‌های امنیت شغلی و معیشتی برای کارکنانی که سال‌هاست کار دائمی انجام می‌دهند اما قراردادهای موقتی و ناپایدار دارند.